



دانشگاه استکهلم، سرانجام به وحید سعادت طلب که در پایان نامه خود از شهید سلیمانی تقدیر کرده بود، اجازه داد از پایان نامه اش دفاع کند

## پیروزی مقاومت

صفحه ۲

VATANEMROOZ.IR

روزنامه صبح ایران

# وطن امروز

۳ سال پس از شهادت شهید قاسم سلیمانی کرمان در حال تبدیل شدن به یک قطب زیارتی ملی و بین المللی است

## حریم قاسم



صفحه ۵

VATAN-E-EMROOZ | VOL.15 | NO.3713 | MON.FEB.27.2023 | ISSN:2008-2886

۱۸۴ سال و ۱۵۴ روز گذشت

دوشنبه ۸ اسفند ۱۴۰۱ | ۶ شعبان ۱۴۴۴ | ۲۷ فوریه ۲۰۲۳ | سال پانزدهم | شماره ۲۷۱۲ | صفحه ۳۰۰۰ | تومان



بعد از ۱۲ سال، رؤسای مجالس کشورهای عربی وارد دمشق شده و با بشار اسد دیدار و گفت‌وگو کردند

# دوره اسد

### تیتراهای امروز

یک فلسطینی در نابلس ۲ صهیونیست را به هلاکت رساند

## انتقام ادامه دارد

■ نظامیان صهیونیست هفته گذشته ۱۱ فلسطینی را در نابلس به شهادت رساندند



رشد افسار گسیخته دلار پس از ۱۰ روز متوقف شد

## افتاد؟

■ دیروز دلار ناگهان ۴ هزار تومان سقوط کرد مشعل هفدهمین جشنواره فیلم مقاومت روشن شد

## سینما روی عرشه مقاومت

عبدهالله مهدی به سازمان‌دهی آشوب‌های اخیر از سوی گروهک تروریست کومله اذعان کرد

## ماجرای

## تجزیه طلبی بود

یوتین خواستار بررسی مسأله هسته‌های فرانسه و انگلیس در قالب پیمان استارت شد

## خط‌ونشان برای

## لندن و پاریس

### نگاه

## توهم ایزد بیسویان خارج نشین بر سر جادر سفیر سوییس

محمدحسین مهدوی‌زادگان: ضدانقلاب مانند ۴۴ سال اخیر بی‌اعصاب است! گویا حضور سفیر سوییس با حجاب چادر در قم و دیدار وی با برخی شخصیت‌های دینی و حوزوی، خط قرمز پررنگ مدعیان دموکراسی آمریکایی - اروپایی مبنی بر سرکوب مذهب و عقیده را به بدترین نحو ممکن زیر پا گذاشته است! سایت شبکه بی‌بی‌سی فارسی در این باره می‌نویسد: «خانم لوزانو (سفیر سوییس در تهران) به قم سفر و از زیارتگاه (حضرت معصومه(س) در این شهر دیدن کرد. حضور او با چادر در کنار یک روحانی، واکنش‌ها و انتقادات بسیاری از کاربران را به دنبال داشته است. با توجه به شرایط کنونی در ایران و اجباری بودن حجاب، حضور با حجاب (لیویری لوزانو) در قم پیام دیگری برای مردم ایران دارد. برخی گفته‌اند استفاده از چادر و سفر به قم نایب‌دیده گرفتن ماه‌ها مبارزه مردم برای آزادی است.»

علاوه بر شبکه بی‌بی‌سی، شبکه‌های سعودی اینترنشنال، منوتو و رادیو فردا نیز هر یک به نوعی خشم خود را از این اقدام «لیخسودنی (۱)» خانم سفیر اعلام کرده‌اند. صورت‌مساله مشخص‌تر از آن است که تصور می‌شود امروز کسانی در آن سوی مرزها مشغول میزاج‌رزی، زندگی، آزادی هستند که حتی تحمل استفاده از زینتی از چادر توسط سفیر سوییس در ایران را ندارند! البته از کسانی که «پرویز ثابتی»، «صی علیزاد» و «هریم رجوی» را که تار و پود فکری آنها بر اساس هم‌پوشانی توحش انکسالی و خشونت ذاتی شکل گرفته است، نباید انتظار بیشتری از این داشا! گویا ضدانقلاب خارج‌نشین خود نیز این دروغ را باور کرده است که وزن و نقشی فراتر از حدود و ثغور تعیین‌شده از سوی دستگاه‌های امنیتی غرب می‌تواند ایفا کند.

واقعیت امر این است که مهره‌های ضدانقلاب به لحاظ عملیاتی و زمانی، کارویژه و تاریخ مصرف معینی از سوی دستگاه‌های امنیتی و سیاسی غرب ندارند! ایجاد و بقای ایزد بیسویان خارج‌نشین، نه معلول هوش سیاسی و رویکرد جمعی آنها و نه معلول جایگاه‌نداشت آنها در بین ملت ایران است! نیروی محرکه اعتراضات اخیر ضدانقلاب در خیابان‌های بروکسل و رم، سیاستمدارانی هستند که هر زمان بخواهند از امثال علیزاد و بنیادی به عنوان اسب شترسوار و هر زمان بخواهند به عنوان سرباز بی‌مایه استفاده می‌کنند که تنها کارویژه آن، بر کردن صفحه بازی است! اخیرا حامد اسماعیلیون که در توهم رهبری شیاطین در مواجهه با نظام و ملت ایران به سر می‌برد، در تجمع رم خطاب به کشورهای میزبان و حامی جریان‌های ضدانقلاب گفت مخالفان نظام جمهوری اسلامی، با حمایت یا بدون حمایت کشورهای دموکراتیک، نظام ایران را سرنگون خواهند کرد!

ادامه در صفحه ۶

## اروپا چطور دنباله‌رو آمریکا در دشمنی با روسیه شد؟ درسی که پوتین از اعتماد به سران اروپا گرفت

آلمان نیز با تأخیری قابل توجه همین رویکرد را در پیش گرفت. وقتی نقطه وابستگی آلمان به گاز روسیه خط لوله نورداستریم، از بین رفت، آلمان نیز ترجیح داد تابع دولت بایرن باشد و با وجود همه نگرانی‌ها، دست به ارسال گسترده سلاح‌های نظامی به اوکراین نبرد. تحلیل‌هایی که بر پایه تحقیقات خبرنگاران آمریکایی نشان می‌دهد هدف قرار دادن خط لوله نورداستریم توسط آمریکا انجام شده بود تا اروپا را از وابستگی به گاز روسیه به صورت دفعتی و یکباره رها کند، دقیقا بر همین رویکرد تأکید دارد.

گاردین اما در این باره می‌نویسد: «همه این مراحل و دوره‌های مختلف رویارویی غرب با روسیه در ساله اوکراین، پوتین را به این نتیجه رساند که نمی‌تواند به هیچ‌کدام از رهبران اروپایی اعتماد کند و کشورهای غربی همه به صورت کامل در برابر روسیه خصمانه رفتار می‌کنند.»

■ **پایان روند شکل‌گیری جبهه غرب در مقابل روسیه** از این مرحله به بعد، دیگر آمریکا و اروپا تفاوتی در نظر پوتین با دولت او ندارند. هر ۲ به صورت یک بلوک نظمی در برابر او ایستاده‌اند و مذاکره یا توافق با هر نوع قراردادی با آنها به نظر بی‌نتیجه می‌آید. بر همین اساس است که پوتین رسماً به اجرای معاهده «استارت نو» با آمریکا که از دهه ۹۰ میلادی، مذاکرات مربوط به آن با پیچیدگی و سختی زیادی دنبال شده بود، پایان داد و اعلام کرد برای بازسازی آمریکا تا تسلیحات هسته‌اش - آن هم در زمانی که آمریکا خود یک طرف این جنگ به حساب می‌آید- اعتمادی ندارد.

او البته راه برای بهتر شدن روابط را همچنان باز نگه داشته و اعلام کرده است به صورت کامل از این معاهده بیرون نمی‌آید و تنها اجرای آن را تعلیق کرده است اما به نظر نمی‌رسد آمریکا تمایلی برای حفظ این معاهده داشته باشد. پوتین حالا غرب را به عنوان بسته بسته کرده و فرانسویان را به عنوان بسته بسته است تا سرپوشی بر ضعف‌های داخلی دولت خود بگذارد. پس از مدتی با شعله‌ور شدن آتش جنگ، دیگر مکرون نیز به دنباله‌روی از آمریکا رو آورد و هیچ تلاشی برای آغاز مذاکرات آتش‌بس از خود نشان نداد.

از سوی روسیه به دولت بایرن منتقل شد تا جلوی پیشرفت ناتو به شرق گرفته شود. در نهایت وندی شرم، مذاکره‌کننده ارشد دولت بایرن در سیاست خارجی در اجلاس که با روس‌ها در ژنو داشت، تأکید کرد ایالات متحده در این باره نمی‌تواند کاری انجام دهد و آمریکا بر سر امنیت خود با هیچ کشوری مذاکره نمی‌کند.

■ **اروپا چطور به توافق با پوتین پشت پا زد؟** در ادامه اما مسکو متوجه شد همراهی ظاهری فرانسه و آلمان با توافق مینسک ۲، در واقع نقشه اروپاییان برای خرید زمان به نفع اوکراین بود تا بعد از مدتی با سلاح‌های پیشرفته‌تر و آموزش‌های نظامی قدرتمندتری به دنبال بازپس‌گیری منطقه خودمختار دونباس و یا حتی شبه‌جزیره کریمه باشد. سران اروپا سال ۲۰۱۵، یعنی دقیقاً یک سال بعد از توافق مینسک ۲، اهداف اصلی خود در این باره پرده برداشتند.

روزنامه گاردین در گزارش خود از این مسائل، از تلاش‌های پوتین برای تبدیل اوکراین به منطقه حائل میان روسیه و ناتو، با عنوان تلاش مسکو برای اختلاف‌افکنی بین اروپا و آمریکا یاد می‌کند اما جزئیات این تلاش‌ها نشان می‌دهد مسکو تا چه حد به دنبال جلوگیری از وقوع حمله نظامی در این باره بوده است. در این باره اشاره شده است در همان روزهایی که آمریکا روسیه را به داشتن نقشه برای حمله نظامی به اوکراین متهم می‌کرد، پوتین در تماس‌های تلفنی طولانی‌مدت با امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه بارها از او خواسته بود تلاش کند معاهده‌های مبنی بر بی‌طرفی اوکراین را به تصویب همه طرف‌های درگیر برساند. مکرون اما به اذعان رسانه‌های آمریکایی، هیچ قدرتی در این خصوص نداشت و پس از مدتی با آغاز جنگ، حتی تلاش‌های او برای مذاکره در روزهای ابتدایی درگیری با استقبال دولت بایرن مواجه نشد. رسانه‌های آمریکایی نیز مکرون را متهم می‌کردند به دنبال ریاست فرانسه بر اتحادیه اروپایی در سال ۲۰۲۱ میلادی، به دنبال خوندنمایی بیشتر در عرصه بین‌المللی است تا سرپوشی بر ضعف‌های داخلی دولت خود بگذارد. پس از مدتی با شعله‌ور شدن آتش جنگ، دیگر مکرون نیز به دنباله‌روی از آمریکا رو آورد و هیچ تلاشی برای آغاز مذاکرات آتش‌بس از خود نشان نداد.

داشت. از سال ۱۹۹۹ که پوتین بر سر کار آمد تا سال ۲۰۱۴، سیاست روسیه به همین منوال پیش رفت اما با ناامیدی‌های زیادی روبه‌رو شد، چرا که اروپا به بازی در این بازی نرسید و آمریکا، تأکید کرد ایالات متحده و آمریکا در این مساله باشد. پوتین در ابتدای دهه ۲۰۱۰ میلادی، پیشنهاد «معاهده امنیت اروپایی» را با اروپاییان مطرح کرد، معاهده‌ای که باعث باقی ماندن ناتو در مرزهای خود و عدم گسترش آن به شرق می‌شد و در عین حال اوکراین را به عنوان سرزمین حائل بین ناتو و روسیه به صورت سرزمینی بی‌طرف در این مناقشه حفظ می‌کرد. آنطور که روزنامه انگلیسی گاردین گزارش داده، در همان زمان نیز کشورهای اروپایی غربی حتی تظاهر به اینکه این معاهده را مد نظر قرار داده و به آن فکر می‌کنند نیز نکردند و آن را جدی نگرفتند. سال ۲۰۱۴، اروپاییان باز هم بر سر کریمه هشدارهایی جدی به روسیه دادند و مسکو برای اینکه روابط خود با اروپا را دچار مشکلات جدی نکند، با «توافق مینسک ۲» موافقت کرد. در مقابل، آلمان نیز تعهد داد به اوکراین سلاح نفرستد و فرانسه نیز به شکل گیری این توافق کمک بزرگی کرد. سال ۲۰۱۶، همه کارشکنی‌های آمریکا، به اجرائی شدن نزدیک دیگر تابع آمریکا نباشند، تا حد زیادی تقویت شد. روابط با روسیه در این دوران به درجه بهتری رسید و قراردادهایی مانند خط لوله نورداستریم ۱ و ۲ با وجود اختلافات بین ۲ حزب دموکرات و جمهوری خواه است.

حالا دیگر روسیه از نظر اروپا، یک کشور در حوزه اوراسیاست که به همسایه اروپایی خود حمله کرده است! اما این تبلیغات جنگی، نمی‌تواند مانع بررسی این مساله باشد. چرا کشوری که تمدن خود را اروپایی می‌داند، تا به این حد از دست باقی اروپاییان عصبانی می‌شود که به یکی دیگر از کشورهای این منطقه با تمدن اروپایی حمله نظامی کند. روسیه دهه ۹۰ میلادی قصد داشت با یکسان خواندن تمدن خود با اروپا، خود را جزئی از آنها بداند و در نهایت با افزودن بر پیوندهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خود با کشورهای حوزه اروپای غربی، آنها را با ایجاد وابستگی متقابل، به سمت خود متمایل کرده و از آمریکا و سیاست‌های ضدروسی‌اش جدا کند.

■ **تاریخچه تلاش‌های پوتین برای بی‌طرف کردن اوکراین** این سیاست‌ها تا سال ۲۰۱۴، دنبال شد. تلاش روسیه برای امضای معاهده امنیتی بین روسیه و اتحادیه اروپایی نشان از پیگیری همین سیاست به ناتو تبدیل شد، مذاکرات و درخواست‌های پیاپی

اعمالی در دهه ۹۰ میلادی و دهه ابتدایی ۲۰۰۰ و سیاست‌های بعد از سال ۲۰۱۴ تقسیم‌بندی کرد. اواخر دهه ۹۰ میلادی و پس از آن، هسته اصلی سیاست خارجی مسکو در قبال اوکراین، تأکید و نشان دادن اختلافات میان اروپا و آمریکا درباره کشورهای حوزه اروپای شرقی بویژه اوکراین بود. مسکو همچنین تلاش داشت شریکی محترم، قابل اعتماد و مقتدر برای اروپایی‌ها باشد و آنها را وادار به قدرت و احترام بگذارد. برای پوتین کاملاً مشخص بود درگیری شدن با اروپا بر سر اوکراین، اتحادیه اروپایی و بویژه کشورهای حوزه غرب اروپا را به آغوش آمریکا می‌اندازد و باعث انزوا روسیه می‌شود، آن هم در شرایطی که روس‌ها خود را جدی از اروپا نمی‌دانند. این مساله را می‌توان در سخنرانی‌های پیشین پوتین نیز بخوبی مشاهده کرد. او سال ۲۰۱۲ در مقاله‌ای در سایت مسکوئیوز نوشت: «روسیه بخشی جدانشدنی و اصلی از اروپای بزرگ و تمدن اروپایی است. شهروندان ما خود را اروپایی می‌دانند». اینکه این احساس در مردم روسیه در شرایط فعلی و بعد از رویارویی مستقیم غرب با مسکو بویژه مطرح شدن ابعاد تحریم‌های اقتصادی اروپا علیه این کشور، در چه وضعیتی قرار دارد، نیازمند کار کارشناسی و تفکرسنجی جدید است. با این حال به نظر می‌رسد اقتدر که مردم روسیه خود را اروپایی می‌دانستند، در اروپای غربی، مسؤولان سیاست خارجی اتحادیه اروپایی، آنها را اروپایی نمی‌دانستند. در ابتدای شکل‌گیری جنگ در اوکراین بسیاری از مطبوعات اروپایی نوشتند روسیه با آغاز جنگ در اوکراین «حوی آسیایی خود را نشان داد»، جمله‌ای که می‌خواست به جامعه جهانی بفهماند «روسیه دیگر عضوی از تمدن اروپایی نیست» یا شاید «صلا جزئی از این تمدن نبوده است».

حالا دیگر روسیه از نظر اروپا، یک کشور در حوزه اوراسیاست که به همسایه اروپایی خود حمله کرده است! اما این تبلیغات جنگی، نمی‌تواند مانع بررسی این مساله باشد. چرا کشوری که تمدن خود را اروپایی می‌داند، تا به این حد از دست باقی اروپاییان عصبانی می‌شود که به یکی دیگر از کشورهای این منطقه با تمدن اروپایی حمله نظامی کند. روسیه دهه ۹۰ میلادی قصد داشت با یکسان خواندن تمدن خود با اروپا، خود را جزئی از آنها بداند و در نهایت با افزودن بر پیوندهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خود با کشورهای حوزه اروپای غربی، آنها را با ایجاد وابستگی متقابل، به سمت خود متمایل کرده و از آمریکا و سیاست‌های ضدروسی‌اش جدا کند.

■ **تاریخچه تلاش‌های پوتین برای بی‌طرف کردن اوکراین** این سیاست‌ها تا سال ۲۰۱۴، دنبال شد. تلاش روسیه برای امضای معاهده امنیتی بین روسیه و اتحادیه اروپایی نشان از پیگیری همین سیاست

## یادداشت

■ **نمانه اکوان:** تاکنون درباره نقش و سهم ایالات متحده در تأثیر گذاری بر تصمیم پوتین برای حمله به اوکراین مطالب زیادی گفته و نوشته شده است. ایالات متحده در این زمینه، از نظر بسیاری از تحلیلگران بین‌المللی، نقش اصلی را در آغاز جنگ در اوکراین داشته است. تلاش‌های روسیه برای رسیدن به اجماع و مذاکره با آمریکا جهت عضو نشدن اوکراین در ناتو یا اتحادیه اروپایی، تأثیر زیادی روی دولت بایرن نداشت و در نهایت کار را به حمله نظامی به این کشور کشاند. با این وجود تا به حال از نقش اروپا در این زمینه صحبت زیادی به میان نیامده است. ۳ کشور اروپایی یعنی انگلستان، فرانسه و آلمان هر کدام تأثیر گذاری خاص خود را در آغاز این جنگ داشته‌اند و حالا هم با ادامه همان سیاست‌های پیشین، اجازه رسیدن به آتش‌بس و توافق بین مسکو و کیف را نمی‌دهند.

■ **چرا روسیه زودتر به اوکراین حمله نکرد؟** روزنامه انگلیسی گاردین در این باره گزارش جالبی دارد و معتقد است اروپا نیز بدون توجه به فلسفه سیاست‌های روسیه در مقابل این اتحادیه و ماجرای اوکراین، زمینه برای آغاز این جنگ را فراهم کرده است. سوال اصلی در این گزارش این است: چرا روسیه در همان سال‌های قبل یعنی در سال‌های ابتدایی قرن حاضر یا حتی سال ۲۰۱۴ که کریمه را از خاک اوکراین جدا کرد، به کل اوکراین حمله نکرد و عملیات نظامی گسترده‌ای را علیه این کشور به راه نینداخت؟ مساله جالب توجه این است: برخی رسانه‌های روسی نیز به این سوال توجه ویژه دارند و از رهبران این کشور انتقاد کرده‌اند که چرا سال‌ها پیش و زودتر به اوکراین حمله نظامی نکردند. این رسانه‌ها خاطر نشان کرده‌اند سال ۲۰۱۴ که از آتش اوکراین در ضعیف‌ترین وضعیت خود بود یا حتی بعد از حادثه اودسا که طرفداران روسیه در این منطقه به دست نیروهای دولتی کشته شدند، پهانه خوبی در دست مسکو قرار داشت که به اوکراین حمله نظامی کند اما این کار را انجام نداد.

■ **داشتن تمدن اروپایی هم به داد روس‌ها نرسید** تحلیلگر گاردین بر این عقیده است سیاست‌های روسیه در قبال اوکراین را باید به ۲ بخش سیاست‌های

بازگشت همه به سوی اوست

### همکار گرمی جناب آقای علی وحیدزاده

ممیبت وارده را به جماعتی تسلیت عرض نموده؛ برای آن مرحومه غفران و آمرزش و برای شما و خانواده محترم صبر و اجر از درگاه حضرت احدیت مسألت داریم

وطن امروز